



Research Article

Guaranteeing the Order of Public Hearings in Criminal Courts in the Mirror of Iran's Legislation (With a View to International Standards)

Morteza Rasteh^{1*}, Gholam hassan Kooshki², Mozghan Nemati³

1. M.A. in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, Chalus Branch, Chalus, Iran
2. Associate Prof., Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran
3. Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Article history:

Received: 05/10/2023

Accepted: 01/02/2024

Abstract

Introduction

Public hearings in courts are universally recognized as a fundamental mechanism for ensuring judicial transparency and enabling public oversight of legal proceedings. Such hearings allow litigants to present evidence and arguments before both the public and the media, while judges—under societal scrutiny—adjudicate cases with precision and impartiality. To function effectively, public hearings must balance competing imperatives: upholding judicial dignity, safeguarding participants' security, and maintaining courtroom order. A chaotic environment disrupts judicial concentration, undermining the fairness of verdicts. Thus, public attendance demands a culture of respect for legal decorum. This study investigates the nature and scope of disorder in public criminal hearings under Iran's legal framework.

Please cite this article as:

Rasteh, M., Kooshki, G.H., Nemati, M. (2025). Guaranteeing the Order of Public Hearings in Criminal Courts in the Mirror of Iran's Legislation (With a View to International Standards). *Journal of Legal Studies*, 17(1), 123-156.
<https://doi.org/10.22099/jls.2024.46618.4899>

* Corresponding author:

E-mail address: morteza.rasteh313@gmail.com

It analyzes domestic mechanisms for preserving order while benchmarking them against international human rights standards. The central research question is: *What legislative measures has Iran adopted to ensure order in public criminal court sessions?*

Methods

Employing a descriptive-analytical methodology, this research draws on library sources, notably Iran's 2013 Criminal Procedure Code (Article 354), to examine legal responses to courtroom disorder. A comparative analysis of international human rights instruments and practices contextualizes Iran's approach. The paper is structured as follows:

1. **Iranian Framework:**
 - o Part 1: Legislative strategies for addressing disruptions, focusing on Article 354's prescribed conduct.
 - o Part 2: Taxonomy of disruptive behaviors and the roles of actors referenced in Article 354.
2. **International Standards:**
 - o Overview of human rights documents and monitoring bodies.
 - o Analysis of global norms on courtroom order.

Results and Discussion

Key findings reveal that Iran's criminal justice system categorizes courtroom disorder as an offense *never* justifying private trials. Judicial authorities bear absolute responsibility for maintaining order, wielding tools such as:

- Expelling or detaining disruptors.
- Issuing warnings to parties.
- Directing spectators.

Article 354 mandates judges to utilize all legal means, including collaboration with bailiffs, to uphold order. Crucially, it prohibits citing disorder as grounds for closed proceedings. By contrast, international human rights regimes, while prioritizing open trials, permit limited exceptions where "interests of justice" necessitate privacy—provided measures like warnings or expulsions prove insufficient. Such exceptions require proportionality and case-specific justification.

Conclusions

Iran's approach to courtroom order is markedly stricter than international standards. Unlike global norms, its legal system admits *no* exceptions for private trials due to disorder. Judges must enforce order exhaustively, leveraging all available legal instruments. This reflects Iran's unique balance between transparency and judicial control.

Keywords: Expulsion from hearings, Disorder in court, Public trial, Criminal proceedings, International standards.



تضمین نظم جلسات علنی دادگاه‌های کیفری در آیینہ تقنینی ایران (با نگاهی به موازین بین‌المللی)

مرتضی راسته^{۱*}، غلامحسن کوشکی^۲، مژگان نعمتی^۳

۱. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس، چالوس، ایران
۲. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
۳. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: 1402/11/12

تاریخ دریافت: 1402/07/13

اطلاعات مقاله

چکیده

مقدمه: رسیدگی علنی در دادگاه‌ها به‌عنوان یک ابزار کلیدی در جهت شفافیت دادرسی و اطمینان از نظارت عمومی بر عملکرد دستگاه قضایی شناخته می‌شود. این نوع رسیدگی، به طرفین دعوا اجازه می‌دهد تا در حضور مردم و رسانه‌ها، اسناد و مدارک خود را ارائه دهند و قاضی نیز تحت نظارت عمومی، به‌طور دقیق و بی‌طرفانه به بررسی پرونده بپردازد. بر این اساس، برگزاری دادرسی علنی به روش مناسب، مستلزم رعایت احترام به شأن قاضی، حفظ امنیت افراد دخیل در دادرسی و به‌طور کلی ایجاد نظم و آرامش در صحن دادگاه است. اگر جو دادگاه آرام نباشد و قاضی نتواند به‌درستی به دلایل و اظهارات متمرکز شود، نمی‌تواند قضاوتی شایسته انجام دهد. بر همین اساس، حضور در جلسات علنی دادگاه، فرهنگ خاص خود را می‌طلبد. این پژوهش با هدف بررسی ماهیت و گستره موضوع اخلاف در نظم جلسات علنی دادگاه و تحلیل سازوکارهای تضمین نظم این جلسات در نظام دادرسی کیفری ایران و تحلیل تطبیقی این موضوع با رویکرد موازین بین‌المللی حقوق بشر، انجام شده است.

استناد به این مقاله:

راسته، مرتضی؛ کوشکی، غلامحسن؛ نعمتی، مژگان (۱۴۰۴). تضمین نظم جلسات علنی دادگاه‌های کیفری در آیینہ تقنینی ایران (با نگاهی به موازین بین‌المللی). ۱۷، (۱). ۱۵۶-۱۲۳.

E-mail address: morteza.rasteh313@gmail.com

*نویسنده مسئول:

سؤال اصلی پژوهش این است که چه سازوکاری از سوی قانون‌گذار در رابطه با تضمین نظم جلسات علنی دادگاه‌های کیفری به کار گرفته شده است؟

روش‌ها: این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. در این پژوهش، قوانین و مقررات مرتبط با اخلال در نظم جلسات علنی دادگاه در نظام کیفری ایران، به‌ویژه ماده 354 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. همچنین، در راستای مقایسه رویکردهای ایران و موازین بین‌المللی حقوق بشر، اسناد و رویه‌های بین‌المللی مرتبط نیز بررسی شده‌اند. بر این اساس، سازمان مقاله این‌گونه خواهد بود که ابتدا در دو بخش، به بررسی موضوع در نظام کیفری ایران می‌پردازد؛ بدین ترتیب که در بخش اول چگونگی مواجهه قانون‌گذار ایران با اخلال در نظم جلسات علنی دادگاه بررسی و ماهیت رفتار موضوع ماده 354 قانون دادرسی کیفری تبیین خواهد شد و در بخش دوم، رفتارهای منحل نظم جلسات علنی دادگاه و افراد و مراجع موضوع ماده مزبور بررسی خواهد شد. در بخش پایانی نیز، با نگاهی اجمالی به اسناد حقوق بشری و مراجع نظارتی آن‌ها، «رویکرد موازین بین‌المللی» را مورد مطالعه قرار خواهد داد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در نظام کیفری ایران، موضوع اخلال در نظم جلسات علنی دادگاه به‌عنوان یک تخلف شناخته می‌شود و تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند توجیهی برای برگزاری غیرعلنی محاکمه از سوی دادگاه باشد. درواقع، با توجه به اینکه مدیریت فرآیند محاکمه و استقرار نظم جلسه دادگاه، یکی از تکالیف مهم مرجع قضایی است، قاضی موظف است حتی در صورت وجود اخلال در نظم، از طریق ابزارهایی چون اخراج یا بازداشت افراد مختل‌کننده نظم، تذکر به اصحاب دعوا و ارشاد تماشاچیان، اقدام‌های مقتضی برای حفظ نظم جلسه را اتخاذ کند. قانون آیین دادرسی کیفری نیز در ماده 354 به صراحت پیش‌بینی کرده است که قاضی باید با استفاده از تمام سازوکارهای قانونی ازجمله همکاری با ضابطان قضائی، نظم جلسه را حفظ کند و تحت هیچ شرایطی اجازه ندهد که مشکلات مربوط به نظم، بهانه‌ای برای برگزاری غیرعلنی محاکمه شود. این در حالی است که در نظام بین‌المللی حقوق بشر، به‌رغم اینکه نگرانی‌های مربوط به نظم جلسات علنی دادگاه‌ها نمی‌تواند به‌طور مطلق اصل دادرسی علنی را محدود کند و در ابتدا باید اقدام‌های لازم برای تضمین نظم به روش‌های مختلفی ازجمله اخراج، تذکر و استفاده از نیروهای انتظامی انجام شود، اما در مواردی خاص، بر اساس ضرورت و رعایت تناسب، امکان عدول از دادرسی علنی تحت عنوان حفاظت از «منافع عدالت» وجود دارد.

نتیجه‌گیری: بر این اساس، چنین نتیجه‌گیری شده است که نظام کیفری ایران در مقایسه با نظام بین‌المللی حقوق بشر، در زمینه حفظ نظم در جلسات علنی دادگاه‌ها رویکردی به‌مراتب سخت‌گیرانه‌تر اتخاذ کرده است، زیرا در ایران برخلاف نظام بین‌المللی حقوق بشر، هیچ‌گونه توجیهی برای برگزاری

غیرعلنی محاکمه به دلیل نگرانی‌های مربوط به نظم دادگاه وجود ندارد و قاضی موظف است با روش‌های مختلف و استفاده از تمامی ابزارهای قانونی، نظم مؤثر در دادگاه برقرار کند.

واژگان کلیدی: اخراج از جلسه، اخلال در نظم، دادرسی علنی، دادرسی کیفری، موازین بین‌المللی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سرآغاز

رسیدگی علنی در دادگاه که امروزه به‌عنوان ابزار مهمی در جهت شفافیت دادرسی و اطمینان از نظارت عمومی بر عملکرد دستگاه قضایی شناخته می‌شود، به طرفین دعوا فرصت می‌دهد تا در حضور مردم و رسانه‌ها، ادله خود را اعم از اسناد و مدارک و شهود ابراز دارند و در چنین موقعیتی، به ارائه توضیحات و دفاعیات شفاهی در مورد موضوع پرونده بپردازند. قاضی نیز با توجه به نظرات افکار عمومی بر جریان دادرسی و زیر ذره‌بین قرار گرفتن عملکرد خود، به‌طور دقیق و بی‌طرفانه و در راستای اجرای صحیح عدالت، پرونده را موردبررسی قرار خواهد داد. ازاین‌رو، باوجوداینکه نظم جلسات دادگاه و فراهم کردن شرایط آن، به‌عنوان یک ویژگی مشترک برای تمامی جلسات رسیدگی کیفری محسوب می‌شود، اما این موضوع در رابطه با پرونده‌هایی که با حضور شهروندان و اصحاب رسانه به‌صورت علنی رسیدگی می‌شوند، از اهمیت و حساسیت بسیار بیشتری برخوردار است؛ به‌طوری‌که قانون‌گذار به‌صراحت برای اخلاف و برهم زدن نظم جلسات علنی دادگاه، ضمانت اجرا قرار داده است. باین‌حال، در نظام دادرسی کیفری ایران نمی‌توان به این عذر که اخلاف در نظم دادگاه از سوی طرفین دعوا یا سایر اشخاص حاضر در جلسه علنی، موجب سختی و مشقت در کنترل جلسه است، محاکمه را غیرعلنی برگزار کرد؛ بلکه باید به نحو مقتضی، نظم را برقرار کرد. در این راستا، رئیس دادگاه طبق قانون می‌تواند کسانی را که باعث برهم زدن نظم جلسه دادرسی می‌شوند، حسب مورد از دادگاه اخراج کند یا دستور توقیف آن‌ها را صادر کند. همچنین، تذکر به اصحاب دعوا، ارشاد تماشاگران یا تهدید آن‌ها به اخراج از جلسه دادگاه، استمداد از ضابطان دادگستری مستقر در واحد قضایی و غیره، از دیگر روش‌های برقراری نظم است؛ بنابراین قاضی به‌عنوان مدیر جلسه، در ابتدای رسیدگی، به تمام افراد حاضر در جلسه تذکر لازم را می‌دهد.

در نظام بین‌المللی حقوق بشر نیز صرف نگرانی‌های مربوط به اخلاف در نظم جلسات علنی دادگاه و یا ایجاد بی‌نظمی‌های خفیف و قابل‌کنترل، نمی‌تواند دادرسی علنی را با محدودیت مواجه سازد و محرومیت بی‌قیدوشرط افراد را از حضور در یک محاکمه توجیه کند اما باین‌حال، گاهی ممکن است در شرایطی خاص و در راستای اجرای صحیح عدالت که ضرورت و تناسب آن را دادگاه تشخیص می‌دهد، تمام یا بخشی از جلسه دادرسی به‌صورت غیرعلنی برگزار شود.

دلیل اصلی منع غیرعلنی کردن جلسات دادرسی به دستاویز اخلال در نظم دادگاه در نظام کیفری ایران و اهتمام جدی نظام بین‌المللی حقوق بشر در رابطه با رفع هرگونه مانع برای حضور مردم و رسانه‌ها در جلسات دادگاه را می‌بایست در جایگاه حساس و خطیر اصل علنی بودن دادرسی‌های کیفری جستجو کرد. این اصل دارای علت و مبنایی مرکب است و همان‌گونه که برخی از نویسندگان (Bassiouni, 1994: 609) نیز تصریح کرده‌اند، دادرسی علنی می‌تواند به‌طور هم‌زمان دو جریان را به‌صورت موازی ساماندهی کند: نخست، حمایت از متهم در برابر محاکمات سری و غیرمنصفانه و دوم، تضمین منافع جامعه از طریق نظارت اجتماعی بر کار دادگاه‌ها و جلب اعتماد عمومی نسبت به اجرای صحیح عدالت. از همین رو، اکثر حقوقدان‌ها و جامعه‌شناسان معتقدند که علنی بودن محاکمات، همان اندازه که تضمین‌کننده حقوق متهم در برابر قدرت حکومت است، تأمین‌کننده مصلحت جامعه نیز است. این دو کارکرد، از ارزش‌های اساسی و واقعی دموکراتیک هستند و بدون شک، به یکدیگر وابسته و درهم‌آمیخته شده‌اند (Bicskei; Csizmár & Kotsis, 2018: 4).

این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، در پی پاسخ به این پرسش است که در نظام کیفری ایران، چه سازوکاری از سوی قانون‌گذار در رابطه با موضوع اخلال در نظم جلسات علنی دادگاه به کار گرفته شده است؟ در این راستا، قواعد و مقررات مربوط به این موضوع در نظام کیفری ایران به‌ویژه قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال 1392 مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. همچنین دستیابی به پاسخ این پرسش که رویکرد نظام بین‌المللی حقوق بشر در رابطه با این موضوع چیست و قلمرو اعمال آن تا چه اندازه با نظام کیفری ایران دارای معیارهای مشترک است، یکی از دغدغه‌های اصلی نویسندگان این مقاله در خصوص انجام چنین پژوهشی است.

از آنجاکه تاکنون تحقیقی اختصاصی، جامع و مبسوط در زمینه اخلال در نظم جلسات علنی دادگاه، شناسایی افراد و مراجع مرتبط با این موضوع و احکام مربوط به هر یک از آن‌ها بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 و همچنین جایگاه چنین مسئله‌ای در موازین بین‌المللی به انجام نرسیده است، لذا کاربردی بودن محتوای علمی و نظری این مقاله، انجام آن را ضرورت می‌بخشد. با این مقدمه، سازمان مقاله این‌گونه خواهد بود که ابتدا در دو بخش، به بررسی موضوع در نظام کیفری ایران می‌پردازد؛ بدین ترتیب که در بخش اول چگونگی

مواجهه قانون‌گذار ایران با اخلال در نظم جلسات علنی دادگاه بررسی و ماهیت رفتار موضوع ماده 354 قانون دادرسی کیفری تبیین خواهد شد و در بخش دوم، رفتارهای مخل نظم جلسات علنی دادگاه و افراد و مراجع موضوع ماده مزبور بررسی خواهد شد. در بخش پایانی نیز، با نگاهی اجمالی به اسناد حقوق بشری و مراجع نظارتی آن‌ها، «رویکرد موازن بین‌المللی» را مورد مطالعه قرار خواهد داد.

1. ماهیت‌شناسی اخلال در نظم جلسات علنی دادگاه

سیاست قانون‌گذار ایران برای تأمین و تضمین نظم جلسات علنی دادگاه، در ماده 354 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال 1392 انعکاس یافته است¹ که مقرر می‌دارد: «اخلال در نظم دادگاه از طرف متهم یا سایر اشخاص، موجب غیرعلنی شدن محاکمه نمی‌شود، بلکه باید به گونه مقتضی نظم برقرار شود. رئیس دادگاه می‌تواند دستور اخراج کسانی را که باعث اخلال در نظم دادگاه می‌شوند، صادر کند؛ مگر اینکه اخلال‌کننده از اصحاب دعوا باشد که در این صورت رئیس دادگاه دستور حبس او را از یک تا پنج روز صادر می‌کند. این دستور پس از

1. لازم به توضیح است که اخلال در نظم دادگاه نمی‌تواند مشمول عنوان مجرمانه مذکور در ماده 618 قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب سال 1375 (اخلال نظم و آسایش و آرامش عمومی) قرار گیرد، زیرا اخلال در نظم دادگاه با اخلال در نظم عمومی که اقتضای آن، وقوع اخلال در نظم و آسایش و آرامش در غیر محل‌های محصور و محدود با حکم خاص است، تفاوت دارد و دادگاه گرچه صفت «عمومی» را به همراه دارد و حضور در آن برای همگان آزاد است، اما مکان عمومی تلقی نمی‌شود (National System of Judicial Judgments, 2020). در توجیه این نظر باید گفت که نظم عمومی مدلول مقرراتی است که در آن، ذات، حیثیت و منافع مادی و معنوی جامعه می‌بایست مورد حمایت جدی قرار گیرد. از این رو در صورت برهم زدن نظم عمومی، وجدان جامعه جریحه‌دار می‌شود (Hashemi, 2019: 414). بنابراین، قاعده‌ای مربوط به نظم عمومی است که در ردیف اموری باشد که نظام جامعه به آن وابسته است و نقض آن امور، به این نظام خدشه و خلل وارد می‌آورد. این در حالی است که اخلال در نظم دادگاه اصولاً اخلال در نظم عمومی را در پی ندارد و صرفاً برهم زنده نظم شعبه رسیدگی یا نهایتاً نظم ساختمان دادگستری که جلسه دادرسی در آن برگزار شده است، است. در نظام بین‌المللی حقوق بشر نیز مراد از «نظم عمومی» -که برهم خوردن آن، اصل علنی بودن دادرسی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد- ناظر به نظم جامعه است؛ و حفظ نظم دادگاه باوجود شرایطی، تحت «منافع عدالت» قرار می‌گیرد (Rasteh; Moazenadegan & Dolatkah, 2023: 202).

جلسه رسیدگی، فوری اجرا می‌شود. اگر اخلال‌کننده از وکلای اصحاب دعوا باشد، دادگاه به وی در خصوص رعایت نظم دادگاه تذکر می‌دهد و در صورت عدم تأثیر، وی را اخراج و به دادرسی انتظامی وکلا معرفی می‌کند. چنانچه اعمال ارتكابی، واجد وصف کیفری باشد، اجرای مفاد این ماده، مانع از اعمال مجازات قانونی نیست. دادگاه پیش از شروع به رسیدگی، مفاد این ماده را به اشخاصی که در جلسه دادگاه حضور دارند، تذکر می‌دهد.¹

پرسشی که در نخستین مواجهه با این ماده قابل طرح است این است که اساساً ماهیت رفتار موضوع ماده 354 قانون آیین دادرسی کیفری چیست؟ به عبارت دیگر، قانون‌گذار ایران رفتارهای مخل نظم جلسه علنی دادگاه را جرم محسوب کرده یا به تخلف‌انگاری آن اکتفا کرده است؟ پیش‌بینی «حبس» در این ماده برای برخی صور اخلال، مؤید این دیدگاه است که قانون‌گذار در ماده مزبور مبادرت به جرم‌انگاری کرده و اخلال در نظم دادرسی علنی، ماهیتاً جرم محسوب می‌شود؛ روشن است که حبس، به عنوان متداول‌ترین مجازات در قوانین کیفری ایران، پاسخی است که در برابر «جرم» قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که قانون‌گذار در این ماده با پیش‌بینی حبس، اقدام به کیفرگذاری کرده و این امر به معنای جرم‌انگاری ضمنی اخلال در نظم جلسات علنی دادگاه است.

1. ممکن است گفته شود که حکم ماده 354 قانون آیین دادرسی کیفری، جلسات غیرعلنی را نیز در برمی‌گیرد؛ اما با توجه به صدر این ماده که مقرر می‌دارد: «اخلال در نظم دادگاه از طرف متهم یا سایر اشخاص، موجب غیرعلنی شدن محاکمه نمی‌شود...» و نظر به اینکه ماده مزبور در ادامه مواد 352 و 353 که مربوط به احکام دادرسی علنی می‌باشند آمده است، حکم مقرر در خصوص اخلال در نظم جلسات دادگاه را باید محدود به جلسات علنی دانست. سابقه تقنینی این حکم نیز مؤید این برداشت است؛ به طوری که قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال 1378، ضمانت اجرای اخلال در نظم دادگاه را در تبصره 2 ماده 188 این قانون مقرر کرده بود. روشن است که آن تبصره را باید با توجه به ماده اخیرالذکر تفسیر کرد که ناظر بر اصل علنی بودن محاکمات کیفری بوده است. اختصاص حکم ماده 354 قانون آیین دادرسی کیفری به جلسات علنی دادگاه را می‌توان این‌طور توجیه کرد که اصولاً کنترل نظم دادگاه، هنگامی که تعداد افراد حاضر در آن زیاد باشد، سخت‌تر و حساس‌تر خواهد بود. بر این اساس، در دادرسی‌هایی که به صورت علنی برگزار می‌شود احتمال درگیری‌های لفظی و برخورد‌های فیزیکی بین افراد حاضر در جلسه اعم از طرفین دعوا، دوستان و خویشاوندان آنها، وکلای مدافع، اصحاب رسانه و به طور کل، تمام شهروندانی که به عنوان نظاره‌گر در دادگاه حضور دارند، بسیار بیشتر از زمانی است که جلسات دادگاه به طور غیرعلنی برگزار می‌شود و صرفاً افراد درگیر در پرونده، در دادگاه حضور دارند.

با پذیرش وصف کیفری این رفتار، باید آن را از یکسو تابع قواعد عمومی جرائم و مجازات‌ها و از سوی دیگر تابع تشریفات دادرسی کیفری دانست. باین‌حال، ملاحظه می‌شود که ماده 354 قانون آیین دادرسی کیفری، با برخی قواعد ماهوی و شکلی حاکم بر جرائم سازگاری ندارد؛ برای نمونه، چنانچه اخلال در نظم جلسات علنی دادگاه، «جرم» تلقی شود، حبس یک الی پنج روز مقرر در ماده مزبور نیز «کیفر» محسوب می‌شود و باید مطابق با الزام ماده 65 قانون مجازات اسلامی، به مجازات جایگزین حبس تبدیل شود؛ بنابراین با توجه به حکم ماده اخیر، در مورد اخلال در نظم دادگاه صدور دستور حبس متفی خواهد بود؛ درحالی‌که این موضوع مغایر با هدف قانون‌گذار از ماده 354 قانون آیین دادرسی کیفری و برخلاف رویه حاکم بر دادگاه‌ها است. از سوی دیگر، قانون‌گذار رسیدگی به اخلال در نظم جلسه علنی را از بسیاری تشریفات مهم دادرسی کیفری نظیر تشکیل پرونده، تفهیم اتهام، تحقیق و گردآوری ادله، صدور حکم و ابلاغ آن، قابلیت اعتراض به رأی دادگاه و اجرای آن پس از قطعیت، عدول کرده است. ازجمله آنکه، تصمیمی که دادگاه در قبال اخلال در نظم جلسه علنی اتخاذ می‌کند برخلاف معمول، در قالب دادنامه نیست بلکه به‌صراحت ماده مزبور، «حتی در خصوص حبس مرتکب» به «صدور دستور» اکتفا می‌کند. به‌علاوه، پرونده‌ای مستقل از پرونده دعوای اصلی تشکیل نمی‌شود که محتویات آن را صورت‌جلسه اخلال در نظم دادگاه و عندالاقضا شهادت شهود، صوت یا تصویر ضبط‌شده از جلسه دادگاه و درنهایت رأی صادره تشکیل دهد. درواقع برای صدور دستور موضوع این ماده، نیازی نیست که شخص اخلال‌گر به دادسرا معرفی شود تا پس از تحقیقات مقدماتی و احراز مجرمیت، کیفرخواست صادر شود؛ بلکه دادگاه بلافاصله صورت‌جلسه تنظیم کرده و در صورت امکان، شهادت شهودی که در جلسه دادرسی حضور داشته‌اند را اخذ و در صورت جلسه منعکس می‌کند. در همان زمان نیز دستور را صادر و به محکوم‌علیه ابلاغ کرده و او را برای اجرای حکم اعزام می‌کند.¹

1. البته باید توجه کرد که ماده مزبور، تنظیم صورت‌جلسه و ذکر اخلال در آن را به دادگاه تکلیف نکرده است و بر این اساس، عدم ذکر نوع اخلال در نظم دادگاه، تخلف انتظامی محسوب نمی‌شود؛ باین‌حال بهتر است این اقدام صورت گیرد تا دادرس در معرض اتهام نباشد.

با این تفصیل، اگر رویکرد قانون‌گذار ایران به موضوع اخلال در نظم جلسات علنی دادگاه، نه «جرم‌انگاری» بلکه «تخلف‌انگاری» محسوب شود، قابل توجیه خواهد بود. مؤید این نظر، قسمت اخیر ماده 354 قانون آیین دادرسی کیفری است که مقرر می‌دارد: «... چنانچه اعمال ارتكابی، واجد وصف کیفری باشد، اجرای مفاد این ماده، مانع از اعمال مجازات قانونی نیست...». به این ترتیب، اقوا آن است که بگوییم اخلال در نظم جلسات علنی دادگاه، فی نفسه فاقد وصف کیفری است؛ اگرچه ممکن است توأم با رفتارهای مجرمانه‌ای همچون توهین، ضرب و جرح، تهدید، افترا و غیره ارتكاب یابد.¹ بر این اساس، با توجه به عدم شمول قوانین آیین دادرسی کیفری بر رسیدگی به تخلفات، ایراد پیش گفته در خصوص عدول قانون‌گذار از تشریفات دادرسی کیفری در این فرض مرتفع خواهد بود. به علاوه، در صورت تخلف انگاشتن اخلال در نظم دادگاه، حبس مقرر در ماده مزبور مشمول قواعد عمومی حاکم بر مجازات از جمله ماده 65 قانون مجازات اسلامی نیز نخواهد بود.

با این حال باید اذعان کرد که حتی در صورت تخلف محسوب کردن رفتار موضوع ماده 354 قانون آیین دادرسی کیفری، این نقد به قانون‌گذار ایران وارد است که بدون جرم شناختن یک رفتار، رایج‌ترین مجازات نظام عدالت کیفری (حبس) را در مورد آن قابل اعمال می‌داند؛ زیرا حبس، یک کیفر است و کیفر نیز واکنشی است در قبال جرم که اجرای آن مقید به ضوابط و تشریفات خاصی است؛ بنابراین، استعمال لفظ «حبس» در قبال تخلف، صحیح نیست. به نظر می‌رسد مقصود قانون‌گذار از حبس یک الی پنج روز مقرر در این ماده، نه کیفر، بلکه ضمانت اجرایی قوی‌تر از اخراج است؛ زیرا با وجود اینکه برای تضمین نظم جلسه دادگاه، اخراج از صحن دادگاه نیز کفایت می‌کند اما قانون‌گذار این اختیار را به رئیس دادگاه داده است که در خصوص طرفین دعوا، با توجه به نوع اخلال و بی‌نظمی صورت گرفته از سوی آن‌ها و با

1. چنانچه اخلال در نظم جلسات علنی دادگاه به عنوان تخلف موضوع ماده 354 ق.آ.دک.، توأم با عناوین مجرمانه مانند قتل، ایراد ضرب و جرح، توهین، تهدید، قذف، افترا و غیره ارتكاب یابد، هر کدام باید جداگانه مورد حکم قرار گیرند؛ بدین معنی که دادرس در مورد اخلال در نظم دادگاه صورت جلسه تنظیم کرده و دستور مقتضی صادر می‌کند و در مورد عناوین مجرمانه ارتكابی، بر اساس ماده 72 قانون آیین دادرسی کیفری مراتب را به دادستان اطلاع می‌دهد و دادستان موظف به تعقیب خواهد بود؛ مگر اینکه جزء جرائمی باشد که تعقیب آن مستلزم شکایت شاکی خصوصی است.

رعایت اصل تناسب، اقدام مقتضی را به عمل آورد. باین‌حال، شایسته این بود مقنن که به‌صراحت چنین عملی را جرم نمی‌داند، به‌جای کاربرد لفظ حبس یا حتی بازداشت که توالی و تبعات فاسد دارد، از واژگان مناسب‌تری مانند نگهداری یا مراقبت در مکان مناسب، استفاده می‌کرد، زیرا الفاظ محمول هستند بر معانی عرفیه و اصطلاحات حقوقی، به‌طریق‌اولی محمول بر این معانی هستند. از سوی دیگر، درست است که قانون‌گذار این حبس را به‌عنوان یکی از ضمانت اجرای اخلاف در نظم جلسه دادگاه پیش‌بینی کرده و آثار محکومیت کیفری به معنای خاص نیز نباید بر آن متصور باشد، اما تفویض اختیار مطلق و بی‌ضابطه به رئیس دادگاه در صدور و اجرای چنین دستوری، زمینه را برای تشدد آرا در اثر برداشت‌های متفاوت از واژگان تفسیربرداری نظیر «نظم» و «اخلال» و حتی سوءاستفاده از این آزادی عمل فراهم می‌سازد؛ به‌ویژه آنکه این دستور به‌رغم ارتباط با حقوق و آزادی‌های افراد- نه قابلیت اعتراض دارد و نه سازوکاری برای نظارت قضایی بر آن پیش‌بینی شده است. ضمن اینکه معرفی چنین اشخاصی به زندان آن‌هم برای مدت کوتاه یک الی پنج‌روزه، نه‌تنها اثربخشی مثبتی نخواهد داشت، بلکه عملاً می‌تواند آثار سوء زندان از جمله برچسب‌زنی و ایجاد زمینه معاشرت و مصاحبت با زندانیان حرفه‌ای و سابقه‌دار را به همراه داشته باشد و آموزه‌های مجرمانه را در همین زمان اندک، به فرد انتقال دهد. در راستای حل چنین معضلی، از یک‌سو شایسته است که قانون‌گذار در جهت کاستن از توسعه بلاوجه دامنه این دستور و سوءاستفاده از این اختیار قانونی، مستدل بودن دستور حبس و قابلیت اعتراض به آن را پیش‌بینی کند تا از این طریق، نظارت قضایی بر این تشخیص دادگاه میسر شود؛ از سوی دیگر، ضروری است اشخاصی که به دستور رئیس دادگاه، یک تا پنج روز حبس می‌شوند، در مکانی مناسب و مجزا از سلول‌های عمومی زندان نگهداری شوند تا بدین ترتیب از آثار سوء ناشی از محیط زندان و ارتباط با مجرمان سابقه‌دار در امان بمانند.

2 گستره موضوعی اخلاف در نظم جلسات علنی دادگاه

پرسشی که در گام دوم مطرح می‌شود این است که اساساً اخلاف در نظم جلسات علنی دادگاه، - آن‌گونه که قانون‌گذار در ماده 354 ق.آ.د.ک. مقرر کرده است-، به کدام رفتارها اطلاق می‌شود و چه اشخاص و مراجعی را در برمی‌گیرد؟ پاسخ به این پرسش در سه بند ذیل دنبال خواهد شد:

2-1 رفتارهای محل نظم دادگاه

اگرچه قانون‌گذار در ماده مزبور منظور خود از «نظم» دادگاه و «اخلال» در آن را مشخص نکرده است اما به نظر می‌رسد نظم دادگاه را می‌توان به‌عنوان وضعیت و اوضاع و احوالی تعریف کرد که وابسته به حسن رفتار و اعمال سنجیده از سوی طرفین دعوا و سایر اشخاص حاضر در صحن دادگاه است که محیطی نظام‌مند و شریطی آرام و پایدار فراهم می‌سازد تا ضمن احترام به شئون دادگاه و مقامات قضایی، دعاوی با رعایت سازوکار قانونی و بدون هیچ مانعی مورد رسیدگی قرار گیرند. بر این اساس، اخلال در نظم دادگاه اقدامی است علیه عدالت کیفری و مقصود از آن، اعمال و رفتار و در برخی موارد گفتاری است که حسب مورد از سوی طرفین دعوا یا سایر اشخاص حاضر در صحن دادگاه صورت می‌گیرد و سبب نقض شأن و احترام دادگاه، برهم خوردن انتظام و آرامش حاکم بر جلسه و ایجاد وقفه یا انحراف در جریان رسیدگی می‌شود؛ بنابراین هرگاه شخصی با هیاهو، جنجال و درگیری، مانع رسیدگی شود و مثلاً صندلی‌های دادگاه را برهم بریزد یا با فریاد و سروصدا و استفاده از الفاظی که منافی با شئون دادگاه و اشخاص حاضر است، جو دادگاه را متشنج کند یا با اشخاص حاضر در جلسه درگیر شود و از این قبیل موارد، نظم جلسه دادگاه با اخلال مواجه شده است؛ که البته تشخیص آن بر عهده قاضی است.

این رفتارها معمولاً در قالب فعل مادی مثبت صورت می‌گیرد؛ بنابراین اگر طرفین دعوا یا وکلای آن‌ها از دادن پاسخ صحیح طفره برونند یا جلسه رسیدگی را ترک کنند یا به شکل دیگری مانع روند صحیح و کامل دادرسی شوند، از مصادیق اخلال در نظم دادگاه نخواهد بود (Carter & Harris, 2018: 99). همچنین باید توجه داشت که اخلال در نظم جلسات علنی دادگاه، به رفتارهای تنازعی و درگیری‌های فیزیکی و کلامی محدود نمی‌شود؛ بلکه ممکن است عناصر غیرتنازعی نیز، نظم دادگاه را مختل سازند؛ از مهم‌ترین این عناصر، می‌توان از رسانه‌های گروهی نام برد که ممکن است حین پوشش رسانه‌ای جلسات دادرسی، با اقدامات خود نظم دادگاه را برهم زده و در روند رسیدگی اخلال به وجود آورند (Lepofsky, 2009: 361).

تفاوتی ندارد که فرد از ارتکاب این‌گونه رفتارها، قصد جلوگیری از شروع یا تداوم رسیدگی دادگاه را داشته باشد یا اینکه بدون قصد ایجاد مانع برای ادامه رسیدگی و صرفاً از روی تقصیر و یا حالاتی نظیر عصبانیت، این کار را انجام دهد. به عبارت دیگر، رفتار مزبور،

عمل مادی صرف است که سوءنیت عام و سوءنیت خاص برای تحقق آن لازم نیست؛ هرچند دادرسی دادگاه کیفری بر اساس تکلیف مصرح در ماده 354 قانون آیین دادرسی کیفری وظیفه دارد ممنوعیت اخلال در نظم جلسه دادگاه را به حاضرین گوشزد کند؛ بنابراین، فرض بر آن است که حاضرین در دادگاه نسبت به ممنوعیت این عمل آگاهی دارند. ازاین‌رو، وقتی این عمل را انجام می‌دهند، وجود سوءنیت عام در ایشان را می‌توان مفروض دانست (Zera'at & Mohajeri, 2006: 72). بر این اساس، دفاعیاتی مبنی بر عدم قصد بر هم زدن نظم جلسه، نمی‌تواند مستمسک شخص اخلال‌گر قرار گیرد؛ مانند اینکه در مقام پاسخ به اهانت‌های طرف مقابل یا سایر افراد حاضر در دادگاه و دفاع از خود برآمده و به‌هیچ‌وجه قصد اخلال در نظم دادگاه را نداشته است.

2-2. افراد مشمول

حکم مقرر در ماده 354 قانون آیین دادرسی کیفری، همه افراد حاضر در جلسه دادگاه اعم از شاکی، متهم، وکلای دادگستری و تماشاگران را در برمی‌گیرد. نکته‌ای که باید در اینجا خاطرنشان کرد این است که قانون‌گذار ایران در تبصره 2 ماده 188 قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب 1378، همه حاضران در دادگاه را تابع حکمی واحد دانسته و برای دادگاه این اختیار را قائل بود که بتواند هر کسی را که مخل نظم جلسه می‌شود، از یک تا پنج روز توقیف کند. این در حالی است که ماده 354 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392، ضمانت اجرای حبس یک تا پنج روز را صرفاً در مورد اصحاب دعوا پیش‌بینی کرده است؛ بنابراین رئیس دادگاه نمی‌تواند در مورد وکلای دادگستری، شهود و مطلعان، کارشناسان، اصحاب رسانه و تماشاچیان جلسه که باعث اخلال در نظم دادگاه می‌شوند، دستور حبس بدهد؛ چون آن‌ها اصحاب دعوا نیستند (Khaleghi, 2021: 497). در ادامه، احکام مربوط به هر یک از افراد مشمول ماده 354، مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

2-2-1. اصحاب دعوا (شاکی و متهم)

حق حضور اصحاب دعوا -به‌ویژه متهم- در جلسات علنی دادگاه، به‌عنوان عنصری مهم و انکار نشدنی در زمینه ارائه یک دفاع مناسب از سوی طرفین به‌صراحت در نظام کیفری ایران

به رسمیت شناخته شده است.¹ این موضوع در درجه‌ای از اهمیت قرار دارد که حتی در مواردی که با تجویز قانون و به طور استثنائی امکان محدود کردن حق دادرسی علنی و ممانعت از حضور عموم مردم و رسانه‌ها وجود دارد، طرفین دعوا حق حضور در جلسه دادگاهی را که در حال رسیدگی به اتهام آن‌هاست دارند (Robinson, 2009: 85). بر این اساس، یکی از نقاط عطف ماده 354 قانون آیین دادرسی کیفری این است که قانون‌گذار در مورد اخلاف‌گری اصحاب دعوا، ضمانت اجرای اخراج از جلسه دادرسی را در نظر نگرفته است. اخراج اصحاب دعوا از دادگاه ممکن است موجبات نقض برخی از اصول دادرسی کیفری و متعاقباً تضییع حقوق آنان را فراهم آورد. به طور مثال، اگر متهم در جلسه دادگاه حضور نداشته باشد، تفهیم اتهام و اخذ آخرین دفاع از او امکان نخواهد داشت و اعلام ختم مذاکرات و صدور رأی به موجب ماده 371 قانون آیین دادرسی کیفری نیز قانوناً بدون اخذ آخرین دفاع ممکن نخواهد بود. از همین روست که مقنن با در نظر گرفتن تبعات منفی اخراج اصحاب دعوا در ماده مزبور، به دادگاه‌ها متذکر شده است که در صورت برهم زدن نظم جلسه علنی دادگاه توسط اصحاب دعوا، بدون اخراج آن‌ها، صرفاً می‌توانند دستور حبس ایشان را به مدت یک تا پنج روز صادر کنند و به جهت اینکه طرفین بتوانند به بهترین نحو از حقوق خود دفاع کنند و همچنین اخذ آخرین دفاع از متهم امکان‌پذیر باشد، این دستور پس از پایان جلسه رسیدگی، اجرا می‌شود (Zera'at & Ashrafi, 2018: 28).

حال این پرسش مطرح می‌شود که اگر طرفین یا یکی از آن‌ها دست به اقدامات خشونت‌آمیز بزنند و در قالب ارتکاب جرمی مانند ضرب و جرح در صحن دادگاه موجب اخلاف در نظم شود به طوری که حضور او در جلسه عملاً ادامه رسیدگی را امکان‌ناپذیر کند - آیا در چنین مواردی نیز، محرومیت وی از حضور در دادگاه سبب تضییع حقوق انسانی و قانونی او خواهد شد؟ شاید در نگاه اول گفته شود که حتی در چنین مواردی نیز محرومیت هر یک از طرفین دعوا از حضور در دادگاه، موجبات نقض برخی اصول دادرسی کیفری و تضییع حقوق او را فراهم می‌آورد؛ اما باید پذیرفت که این محرومیت، نتیجه عمل خود شخص است و

1. مواد 342 و 345 قانون آیین دادرسی کیفری.

نمی‌توان دیگران را در این امر دخیل و مسئول دانست.¹ بدین ترتیب، درست است که قانون‌گذار با در نظر گرفتن توالی فاسد اخراج طرفین دعوا از جلسه دادگاه، این امر را تجویز نکرده است، اما در مواجهه با رفتارها و اقدامات خشونت‌آمیز و غیرقابل کنترل از سوی متهم یا بزه‌دیده - که واجد وصف کیفری هستند - توجه به نظم جلسه دادگاه و فراهم بودن تمام شرایط برای ادامه رسیدگی، از چنان اهمیتی برخوردار است که باعث می‌شود گاه از برخی اصول و قواعد پذیرفته شده در فرآیند دادرسی - مانند اصل حضور متهم در جلسه - عدول شود. این موضوع حتی در موازین بین‌المللی حقوق بشری نیز در راستای جلوگیری از سوءاستفاده متهم از حق دادرسی حضوری و همچنین اطلاع بی‌مورد دادرسی، پذیرفته شده است (Case of Idalov v. Russia, 2012: 175-177). از طرفی نیز باید توجه داشت که در بسیاری از موارد، صرف حضور وکیل نیز می‌تواند دادرسی را واجد وصف حضوری کند و در چنین مواقعی، از تضييع حقوق آن‌ها جلوگیری کند.

در رابطه با اخلال در نظم جلسه دادگاه توسط اصحاب دعوا، توجه به چند نکته ضروری است: نخست، در صورتی که اصحاب دعوا به دلیل اخلال در نظم دادگاه محکوم شوند و پس از صدور دستور، مجدداً در همان جلسه مرتکب اخلال در نظم دادگاه گردند، رئیس دادگاه نمی‌تواند دستور بیش از پنج روز حبس را علیه آن‌ها صادر کند. در این خصوص، دادگاه انتظامی قضات در یکی از آرای خود² چنین نظر داد که: «تبصره ماده 327 قانون آیین دادرسی کیفری (در حال حاضر، ماده 354) به دادگاه اختیار داده است کسانی را که باعث اخلال نظم دادگاه می‌شوند، از یک تا پنج روز توقیف کند؛ درحالی که رئیس دادگاه عمومی، به‌رغم صراحت ماده مرقوم، متهم را به دو فقره حبس، هریک به مدت پنج روز محکوم کرده که تخلف است...». بالاین حال، به نظر می‌رسد اگر رسیدگی در یک جلسه به اتمام نرسد و وقت جلسه تجدید شود، در صورتی که اصحاب دعوا در جلسه دوم نیز سبب اخلال در نظم دادگاه شوند، امکان صدور حبس تا پنج روز وجود داشته باشد.

1. به نظر می‌رسد چنین موضوعی را بتوان در چهارچوب «قاعده اقدام» قرار داد. قاعده اقدام به این معنی است که هرگاه شخص با توجه و آگاهی، عملی را انجام دهد که موجب ایراد ضرر توسط دیگران به او شود، واردکننده زیان مسئولیتی ندارد؛ بنابراین، قاعده اقدام نمایانگر رابطه سببیت بین «رفتار شخص» و «ضرر» است.

2. رأی شماره 71-74-1378/3/7 ش 3.

دوم، دستور دادگاه مبنی بر حبس اصحاب دعوا در صورت اخلاف در نظم دادگاه، دستوری اداری است که در همان جلسه صادر و بلافاصله در پایان آن اجرا می‌شود. این دستور، قطعی و غیرقابل اعتراض است. بر همین اساس، این موضوع بدون نیاز به تشکیل پرونده و انجام تحقیقات و دادرسی صورت می‌پذیرد (Khaleghi, 2021: 497).

سوم، اگر طرفین پرونده دیگری یا دوستان و خویشاوندان آن‌ها در راهروی دادگستری و خارج از شعبه‌ای که در حال رسیدگی است، بدون اطلاع و بدون قصد برهم زدن جلسه مربوطه، با یکدیگر درگیر شده و سروصدا راه اندازند، به نحوی که عملاً آن جلسه نظم خود را از دست بدهد، اقدام آن‌ها مستوجب حکم ماده 354 قانون آیین دادرسی کیفری نیست. درواقع، عبارت «اخراج» در این ماده، مؤید این ادعاست.

2-2-2 وکلای مدافع

بر پایه قواعد و اصول حاکم بر وکالت در دادگاه‌ها، لزوماً حضور شخص متهم در جلسه دادرسی ضرورت ندارد و صرف حضور وکیل وی نیز کفایت می‌کند، زیرا در این صورت از یکسو، وصف منصفانه بودن دادرسی تقویت می‌شود و از سوی دیگر، از طریق حضور وکیل در یک جلسه دادرسی علنی، می‌توان امکان دفاع مؤثر را به متهم داد و اعتماد عمومی را به نظام عدالت کیفری ارتقا بخشید (Fazaeli, 2018: 436). ضمن اینکه به طریق اولی، زمانی که متهم در دادگاه حضور دارد اما به دلایلی قادر به دفاع مؤثر از خود نیست، حضور وکیل متهم می‌تواند دادرسی را واجد وصف دادرسی حضوری کند (Case of Stanford v. The United Kingdom, 1994: 30-32). در نظام حقوقی ایران نیز حق برخورداری از وکیل مدافع، در اصل 35 قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است. بر اساس این اصل، «در همه دادگاه‌ها، طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آن‌ها امکانات تعیین وکیل فراهم کرد». این مهم همچنین در مواد 346 و 347 قانون آیین دادرسی کیفری از سوی قانون‌گذار تصریح شده است.

به‌رغم حق برخورداری اصحاب دعوا از حضور و همراهی وکیل در جلسه، چنانچه وکیل هر یک از طرفین پرونده، در جلسه دادرسی به گونه‌ای رفتار کند که مخل نظم دادرسی تلقی شود، دادگاه حق خواهد داشت که به نحو مقتضی با وی برخورد کند. قانون‌گذار در تبصره 2

ماده 188 قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال 1378، برای رئیس دادگاه این اختیار را قائل بود که بتواند در این‌گونه موارد، وکیل را از یک تا پنج روز توقیف کند اما در ماده 354 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال 1392، دستور حبس یک تا پنج روز صرفاً مختص اصحاب دعوا در نظر گرفته شده است و در مورد وکلای اصحاب دعوا، دادگاه تنها می‌تواند در بار اول به وی در خصوص رعایت نظم دادگاه تذکر دهد و در صورت تکرار، او را از جلسه اخراج و به دادرسی انتظامی وکلا معرفی کند.

منع حبس وکلای دادگستری به دستاویز اخلال در نظم دادگاه توسط قاضی محاکم کیفری، به‌عنوان تحولی عدالت‌محورانه و گامی در راستای استقلال وکلای دادگستری در قبال مقامات قضایی، قلمداد شده است (Shamloo, 2022: 13)؛ اما این نظر محل تأمل است، زیرا هرچند بین حبس و اخراج وکیل از دادگاه تفاوت وجود دارد اما در هر دو حالت، از حضور وی در جلسه دادگاه ممانعت به عمل می‌آید و بدین ترتیب، همان‌طور که استقلال وکیل از طریق حبس دچار خدشه می‌شود، در صورت اخراج از جلسه دادگاه نیز استقلال وی در مقابل قاضی مخدوش خواهد شد. از سوی دیگر، عدول از حبس به اخراج در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 علاوه بر وکلا شامل سایر افراد حاضر در صحن دادگاه از جمله تماشاگران، اصحاب رسانه، شهود، مأموران انتظامی، منشی دادگاه و غیره نیز می‌شود؛ بنابراین، این حکم اختصاص به وکلا ندارد تا بتوان آن را در راستای استقلال آن‌ها ارزیابی کرد. همچنین ممکن است گفته شود که با توجه به تبصره 3 ماده واحده «انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا» مصوب سال 1370 مجمع تشخیص مصلحت نظام که مقرر می‌دارد: «وکیل در موضع دفاع، از احترام و تأمینات شاغلین شغل قضا برخوردار است»¹، عدم جواز حبس وکلای دادگستری از آنجا نشأت می‌گیرد که اخلال در نظم دادگاه از سوی وکیل معمولاً عملی است که در مقام دفاع صورت می‌گیرد و وکیل در این موضع، از مصونیت قضایی برخوردار است؛ اما این برداشت نیز چندان دقیق نیست، زیرا چنین موضوعی می‌تواند شامل طرفین دعوا نیز شود که

1. ماده 6 آیین‌نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب سال 1400 رئیس قوه قضاییه نیز در حکمی مشابه مقرر می‌دارد: «وکیل در مقام دفاع از احترامات و تأمینات شغل قضا برخوردار است. کلیه مقامات قضایی، کارکنان اداری و ضابطان، در برخورد با وکلای دادگستری موظف‌اند ضمن حفظ کرامت آنان، بر مبنای اصول و موازین اخلاقی، شرعی، قانونی و حقوق شهروندی رفتار کنند».

ممکن است در مقام دفاع از خود، مرتکب اخلاف شوند. از سوی دیگر، زمانی می‌توان از مصونیت قضایی وکلای دادگستری در خصوص اخلاف در نظم دادگاه صحبت کرد که علاوه بر عدم جواز حبس، منع اخراج آن‌ها نیز از سوی قانون‌گذار مورد تأکید قرار می‌گرفت؛ این در حالی است که تنها امتیاز داده‌شده به وکلا و تفاوت آن‌ها نسبت به سایر افراد حاضر در جلسه این است که در صورت ایجاد اخلاف در نظم از سوی وکیل، رئیس دادگاه در مرتبه نخست به وی تذکر می‌دهد؛ اما در صورت تکرار، می‌تواند وی را -همانند سایر افراد- از جلسه دادگاه اخراج کند. ناگفته نماند که هرگاه ایجاد اخلاف در نظم جلسه دادگاه توسط وکیل، هم‌زمان واجد وصف کیفری نیز باشد -مانند اینکه وکیل مرتکب ضرب و جرح شود یا به تهدید، توهین و فحاشی به اصحاب دعوا یا سایر افراد حاضر در جلسه دادگاه مبادرت کند-، توقیف وکیل بر اساس قسمت اخیر ماده 354 قانون آیین دادرسی کیفری، مجاز خواهد بود.

3-2-2. تماشاگران

علنی بودن دادرسی در مفهوم حقیقی آن، به معنای برداشتن گام‌هایی است که به موجب آن عموم مردم قادر باشند با حضور در دادگاه‌ها، بر فرایند دادرسی نظارت کنند (Stepniak, 2014: 1). در یک جامعه دموکراتیک¹، مردم از دستگاه قضایی خود انتظار مصونیت مطلق از خطا را ندارند اما پذیرفتن آنچه از مشاهده آن منع شده‌اند، برای آن‌ها دشوار است و به‌طور منطقی و قابل‌درک، نسبت به آنچه پشت درهای بسته اتفاق می‌افتد تردید دارند و مشکوک هستند (Wayne, 2009: 7). بر همین اساس، دادرسی علنی با این استدلال توجیه می‌شود که نظارت عمومی، زمینه‌های بی‌عدالتی در نظام عدالت کیفری را به حداقل می‌رساند و اصولاً واکنش افکار عمومی در قبال رفتارهای جانب‌دارانه و غیرعادلانه، خود عاملی برای کنترل عملکرد این نظام است. لذا یکی از ابتدایی‌ترین و درعین‌حال مهم‌ترین الزام‌های برگزاری علنی دادرسی‌ها، امکان حضور عموم شهروندان در جلسات دادگاه است. در نظام حقوقی ایران، اصل 165 قانون اساسی با اصالت بخشیدن به علنی بودن دادرسی‌ها، دادگاه‌ها را مکلف کرده است تا غیر از استثنائات تصریح‌شده در قانون، مانعی جهت حضور افراد جامعه در جلسه‌های محاکمه

ایجاد نکنند. همچنین بر اساس صدر ماده 352 قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره آن، امکان دسترسی همگانی به جلسات رسیدگی مورد تأکید قرار گرفته است.

کسانی که در جلسه دادگاه به عنوان نظاره‌گر حاضر می‌شوند، حق هیچ‌گونه اظهارنظری ندارند؛ در طول مدت رسیدگی باید سکوت کرده و از جانب‌داری به نفع یکی از طرفین خودداری کنند. قطع سخنان هر یک از کسانی که اجازه صحبت می‌یابند اعم از اینکه برای تأیید باشد یا تکذیب، ممنوع است و نظم دادگاه باید رعایت شود (Khaleghi, 2004: 42). با این حال، ممکن است حاضران در جلسه علنی دادگاه، به وظایف خود به عنوان تماشاگر آشنایی نداشته باشند و نظم جلسه را رعایت نکنند و بدین ترتیب در روند رسیدگی خلل ایجاد کنند. با وجود این، ایجاد التهاب، مهمه و جنجال از سوی تماشاگران، دلیلی برای اعلام غیرعلنی بودن رسیدگی محسوب نمی‌شود بلکه قاضی صرفاً می‌تواند دستور اخراج افراد خاطی را از جلسه دادگاه صادر کند. در این خصوص برخی بر این عقیده‌اند که به‌طور کلی امکان اخراج تماشاگران اخلال‌گر، در راستای برپایی نظم و امنیت جلسه دادگاه، حفظ تمرکز قاضی و آرامش طرفین دعوا و وکلای آن‌ها است. لذا قاضی نباید این مجوز را وسیله‌ای برای انتقام‌جویی قرار داده و از این راه، عصبانیت خویش را بکاهد؛ بلکه هرگاه تماشاگرانی که بر اثر ناراحتی اقداماتی را انجام داده و برای لحظه‌ای، نظم دادگاه را برهم ریزند، بلافاصله پشیمان شده و عذرخواهی کنند، دلیلی ندارد که دادگاه همچنان بر تنبیه پافشاری کند؛ زیرا در این صورت، نظم و امنیت دادگاه که فلسفه اخراج تماشاچیان اخلال‌گر است، بدون اینکه نیازی به اخراج آنان احساس شود، برقرار شده است (Carter & Harris, 2018: 112).

2-2-4. اصحاب رسانه

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده ساختار دادرسی علنی، امکان حضور اصحاب رسانه در دادگاه و جواز انتشار جریان محاکمه است. از یک‌سو، به دلیل اینکه اتاق‌های دادگاه ظرفیت محدودی برای حضور عموم مردم دارند و از سوی دیگر، از آنجاکه اکثر مردم به دلیل داشتن مشغله یا دور بودن از محل برگزاری دادرسی، هرگز به‌طور فیزیکی در جلسه دادگاه شرکت نمی‌کنند، لذا پخش جلسات دادرسی از طریق تلویزیون و یا انتشار جریان آن توسط روزنامه‌ها یا خبرگزاری‌ها، تنها راه دستیابی خیل عظیمی از شهروندان به اطلاعات دادرسی و نظارت آن‌ها

در زمینه عملکرد نظام عدالت کیفری است (Marder, 2012: 1496)؛ در مقابل، محرومیت رسانه‌ها از حضور در دادگاه و منع انتشار جریان دادرسی توسط آن‌ها، منجر به تصمیم‌های ناصواب و احتمال بروز فساد در نظام قضایی می‌شود؛ بنابراین دادگاه‌ها باید با این واقعیت سازگار شوند که مفهوم علنی بودن دادرسی، گسترده شده است و با فناوری‌های رسانه‌ای مدرن، چنین حقی معنای وسیع‌تری برای شهروندان پیدا کرده است (Bicskei; Cszimár & Kotsis, 2018: 8).

موضوعی که باید به آن توجه کرد این است که اخلاف در نظم جلسه علنی دادگاه، صرفاً با رفتار تماشاگرها و منازعه‌های کلامی حاضرین در جلسه صورت نمی‌پذیرد، بلکه ممکن است عوامل دیگری نیز نظم جلسه را برهم بزند و آرامش دادگاه را مختل کند. از مهم‌ترین عناصر مختل‌کننده غیرتنازعی در دادگاه، رسانه‌های گروهی هستند. ممکن است روزنامه‌نگار، عکاس، فیلم‌بردار و سایر اصحاب رسانه، پس از اخذ اجازه از رئیس دادگاه، به پوشش خبری دادرسی مبادرت کرده اما به دلیل اینکه با اقدامات خود نظم جلسه را برهم زده و در روند رسیدگی اخلاف به وجود آورده است، رئیس دادگاه از ادامه فعالیت وی جلوگیری کند و حتی برای دفعات بعد نیز او را از فعالیت در محیط آن دادگاه منع کند (Aghmesheh & Salmanpour, 2015: 125). بر همین اساس، چنانچه حضور اصحاب رسانه در جلسه دادرسی منجر به ایجاد سروصدا در دادگاه شود یا استفاده رسانه‌ها از نورافکن‌ها، گرمای جلسه را از حد معمول افزایش دهد یا صدای فلش دوربین‌ها، صدای تعویض نوار یا جابجایی دوربین فیلم‌برداری، تمرکز طرفین دعوا و وکلای آن‌ها یا قاضی دادگاه را برهم بزند - مثلاً در کلام آن‌ها انقطاع ایجاد کند یا به نحو دیگر حواس آن‌ها را پرت کند-، قاضی دادگاه رأساً یا به تقاضای هریک از اصحاب دعوا می‌تواند برای حفظ نظم جلسه دادرسی، تصمیم مقتضی اتخاذ کند (Ansari, 2011: 286)؛ به‌طور مثال، از ادامه فیلم‌برداری جلوگیری کند یا تعداد و محل قرارگیری دوربین‌هایی را که می‌توانند در سالن دادگاه حضور داشته باشند، محدود کند و یا به شخص فیلم‌بردار تذکر دهد که نظم جلسه را رعایت کند و در صورت تکرار، وی را از دادگاه اخراج کند.

در پایان این بخش شایان‌ذکر است که مطلق بودن واژه «سایر اشخاص» و همچنین به کار بردن عبارت عام «کسانی که باعث اخلاف در نظم دادگاه می‌شوند...» در ماده 354 قانون آیین دادرسی کیفری، بیانگر آن است که حکم مقرر در این ماده، به‌طور کلی تمامی افرادی که با تجویز قانون یا اجازه دادگاه در جلسه دادرسی حضور دارند را در برمی‌گیرد و بدین ترتیب،

افرادی غیر از موارد فوق‌الذکر نظیر شهود و مطلعان، کارشناسان رسمی، ضابطان دادگستری، مددکاران اجتماعی، منشی و دیگر کارکنان دادگاه نیز مشمول حکم ماده 354 هستند. البته با توجه به اینکه ضمانت اجرای حبس یک تا پنج روز صرفاً در مورد اصحاب دعوا پیش‌بینی شده است، رئیس دادگاه نمی‌تواند در صورتی که اشخاص مزبور باعث اخلال در نظم دادگاه شوند، دستور حبس بدهد و صرفاً می‌تواند دستور اخراج آن‌ها را صادر کند؛ مگر اینکه اخلال در نظم جلسه دادگاه، توأم با رفتارهای مجرمانه‌ای همچون توهین، ضرب و جرح، تهدید، افترا و غیره ارتکاب یابد که در آن صورت، اشخاص مزبور تحت آن عنوان مجرمانه، مورد تعقیب قرار خواهند گرفت. ممکن است گفته شود به دلیل تأثیری که شاید اخراج این افراد در روند دادرسی داشته باشد، ضروری است که اصل تناسب در اینجا نیز رعایت شود و قاضی تا جای ممکن از روش‌هایی غیر از اخراج -مانند تذکر، تهدید به اخراج، استمداد از ضابطان مستقر در ساختمان دادگستری و غیره- استفاده کند. این گفته تا حدودی موجه به نظر می‌رسد اما باین‌حال، ظاهر ماده 354 قانون آیین دادرسی کیفری بیانگر آن است که رئیس دادگاه برای اخراج اشخاصی که سبب اخلال در نظم جلسه دادگاه شده‌اند، کاملاً اختیار دارد و موظف نیست از اهرم اخراج به‌عنوان آخرین حربه استفاده کند.

2-3 مراجع تحت شمول

برخلاف تبصره 2 ماده 188 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال 1378 که تصریحی به عبارت «جلسه دادگاه» نداشت، قسمت اخیر ماده 354 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال 1392، به‌صراحت این عبارت را بیان کرده است؛ بنابراین، اخلال در نظم باید در «جلسه دادگاه» صورت گیرد تا مشمول ماده مزبور شود. منظور از جلسه دادگاه جلسه‌ای است که در آن، قاضی رسیدگی‌کننده با ورود به ماهیت دعوا و بررسی تمام شواهد و مدارک، به‌طور مستدل و مستند به مواد قانونی و اصول کلی حقوقی تصمیم می‌گیرد که آیا شخصی که متهم به ارتکاب جرم و نقض قوانین کیفری است، مجرم است یا خیر. در این راستا، جلسه دادگاه از لحاظ بازه زمانی، فاصله میان اعلام شروع رسیدگی (اعلام رسمیت جلسه) از سوی قاضی رسیدگی‌کننده تا اعلام ختم دادرسی در آن جلسه از سوی ایشان است که معمولاً در آغاز و پایان رسیدگی با صدایی رسا از سوی مقام مذکور به حاضران در دادگاه اعلام می‌شود؛

بنابراین، قبل از اعلام شروع رسیدگی و یا بعد از اعلام ختم دادرسی را نمی‌توان مشمول این بحث دانست. ضمن اینکه جلسه دادگاه از لحاظ مکانی نیز محدود و محصور به اتاق داخل دادگاه (شعبه رسیدگی‌کننده به پرونده مربوطه) یا در برخی موارد استثنایی، سالن بزرگی است که در خارج از ساختمان دادگستری صرفاً برای رسیدگی به یک پرونده خاص - با رعایت تمام شرایط و ضوابط شکلی و ماهوی - مورد استفاده قرار می‌گیرد.

توجه به نکاتی چند در این خصوص، ضروری به نظر می‌رسد:

نخست اینکه جلسه معاینه محل، تحقیقات محلی و تأمین دلیل، «جلسه دادگاه» محسوب نمی‌شوند؛ بنابراین، اخلاف در چنین جلساتی مشمول ماده 354 قانون آیین دادرسی کیفری نخواهد بود. دادگاه انتظامی قضات در این خصوص این‌گونه رأی داده است¹: «در موردی که دادرس دادگاه برای تحقیقات محلی به خارج شهر رفته و پس از مراجعت دستور داده که یکی از وکلای اصحاب دعوا را سه روز حبس کنند، قطع نظر از اینکه توقیف وکیل به عنوان اختلال در نظم جلسه در خارج از جلسه رسیدگی که راجع به قرار تأمین دلیل بوده، یک عمل خلاف قانون است، عدم تنظیم صورت‌مجلسی که کاشف از نوع اختلال بوده و معلوم دارد که چه عملی از وکیل سر زده که مخل به نظم جلسه تأمین دلیل بوده است نیز تخلف محسوب می‌شود» (Shahidi, 2002: 140).

دوم، قلمرو اعمال ماده مزبور، منحصرأ جلسه دادگاه است و در مورد دادسرا و مرحله تحقیقات مقدماتی، چنین تصریح و تجویزی وجود ندارد. در این خصوص، کمیسیون تخصصی معاونت آموزش قوه قضائیه این‌طور استدلال کرده است که: «اعمال تبصره 2 ماده 188 قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب 1378 (در حال حاضر ماده 354 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392)، مختص جلسه دادگاه است، زیرا طبق این ماده، جلسه دادگاه، علنی بوده و تماشاجی حاضر می‌شود و رئیس دادگاه تکلیف اعلام مفاد ماده را قبل از شروع محاکمه پیدا می‌کند. لذا مفاد ماده، نه تنها در مورد قاضی تحقیق، بلکه در موردی هم که دادگاه اقدام به تحقیقات مقدماتی می‌کند، مجری نخواهد بود و با استنباط از فوریت امر، نیاز به اطلاع به رئیس دادگستری و ارجاع وی نیست» (Judicial

1. رأی شماره 4511-1328/4/29.

50: Research and Investigation Office, 2013). بر این اساس، بازپرس در صورت مواجهه با موارد اخلاف در نظم جلسات تحقیق و بازجویی، می‌تواند از قوای انتظامی دادسرا برای کنترل نظم استمداد جوید یا در صورت اعتقاد به جرم بودن عمل، حسب تجویز ماده 89 قانون آیین دادرسی کیفری از آن‌جهت که ناظر وقوع جرم بوده، تحقیقات را شروع و مراتب را فوراً به دادستان اعلام کند و در صورت ارجاع دادستان، تحقیقات را ادامه دهد.

سوم، اگر جلسه دادرسی در محلی غیر از اتاق دادگاه و مکانی خارج از ساختمان دادگستری مانند سالن اجتماعات تشکیل شود، باز هم اخلاف در نظم دادگاه بر آن صدق خواهد کرد، زیرا به‌رغم اینکه اصطلاح «اتاق دادگاه» در نظر اول ممکن است به معنای اتاقی در نظر گرفته شود که از ابتدای امر، برای انجام دادرسی اختصاص یافته باشد و به‌عنوان شعبه‌ای از دادگاه، جلسات محاکمه در آن برگزار شود، اما باید پذیرفت که با یک تفسیر معقول می‌توان سالن بزرگی مانند سالن اجتماعات را که در خارج از ساختمان دادگستری وجود دارد، اتاق دادگاه دانست؛ حتی اگر صرفاً برای یک پرونده مورد استفاده قرار گیرد (Rasteh; Tavajohi, 2023: 222). البته باید در نظر گرفت زمانی که چنین سالن‌هایی به‌عنوان محل رسیدگی به پرونده مورد استفاده قرار می‌گیرند، باید تمام شرایط و ضوابط مربوط به یک جلسه دادرسی علنی در آن رعایت شود و بدین ترتیب در دسترس عموم قرار گیرد (Barrett, 2009: 72). لذا دادگاه‌ها موظف‌اند اقدامات و تدابیر جبرانی را در این خصوص اتخاذ کنند.

چهارم اینکه مشاجره اصحاب دعوا و وکلای آن‌ها در دفتر شعبه با یکدیگر یا با کارمندان دفتر، در زمانی که دادگاه جلسه رسیدگی ندارد، یا در صورت انعقاد جلسه تا هنگامی که موجب اخلاف در نظم جلسه دادگاه نشوند، حسب مورد مجوزی برای دستور حبس یا اخراج آن‌ها نبوده و مشکل به وجود آمده باید به طریق دیگر، از جمله دعوت از یگان انتظامی مستقر در محل، رفع شود (Khaleghi, 2021: 497). بنابراین، اخلاف فقط در «محل شعبه» و در زمان رسیدگی در دادگاه متصور است و قید عبارت «محاکمه» و «رسیدگی» در ماده 354 قانون آیین دادرسی کیفری، دلالت بر مقید بودن موضوع و محدودیت اعمال این اختیار در جلسه دادرسی دارد.

پنجم، اگرچه ضرورت برقراری نظم در جلسات رسیدگی اقتضا می‌کند که قضات دیوان عالی کشور نیز در اعمال حکم ماده 354 قانون آیین دادرسی کیفری اختیار داشته باشند، اما به نظر می‌رسد واژه «دادگاه» شامل دیوان عالی کشور نمی‌شود و قضات این مرجع از چنین حقی

برخوردار نیستند. در مورد دادگاه تجدیدنظر نیز ابهام وجود دارد، اما با توجه به اینکه ماده 454 قانون آیین دادرسی کیفری، مقررات مرحله نخستین را در مرحله تجدیدنظر هم قابل اجرا می‌داند و نام دادگاه نیز بر این مرجع صدق می‌کند، بنابراین دادگاه تجدیدنظر حق اخراج یا بازداشت مرتکبان اخلال در نظم دادگاه را دارد.

در پایان این بخش، بیان این مطلب خالی از لطف نیست که صدر ماده 354 قانون آیین دادرسی کیفری به صراحت، صدور دستور اخراج کسانی را که باعث اخلال در نظم دادگاه می‌شوند در «اختیار» دادگاه دانسته است؛ بنابراین دادگاه می‌تواند از این اختیار استفاده کرده یا از آن صرف نظر کند؛ اما در ادامه این ماده و در مورد دستور حبس طرفین دعوا از یک تا پنج روز، این اختیار را به صراحت بیان نکرده است: «...مگر اینکه اخلال کننده از اصحاب دعوا باشد که در این صورت رئیس دادگاه دستور حبس او را از یک تا پنج روز صادر می‌کند». به نظر می‌رسد در اینجا نیز دادگاه تکلیفی برای صدور دستور ندارد؛ زیرا صدر این ماده به اختیار دادگاه برای اخراج اخلالگران اشاره دارد و ذیل ماده نیز معطوف به صدر آن است؛ بنابراین در هر دو مورد، باید قائل به اختیار دادگاه در صدور دستور بود. به علاوه، این اختیار مختص همان شخصی است که تصدی دادگاهی را که نظم آن به هم ریخته است بر عهده دارد؛ بنابراین، دادرس دادگاه نمی‌تواند این موضوع را جهت تعقیب به دادستان گزارش کند و او نیز به دادگاه دیگری ارجاع دهد؛ مگر اینکه اخلال در نظم جلسه دادگاه، متضمن عنوان مجرمانه‌ای نیز باشد و تحت آن عنوان مجرمانه، مورد تعقیب قرار گیرد.

3. رویکرد موازین بین‌المللی در خصوص اخلال در نظم جلسه علنی دادگاه

در نظام بین‌المللی حقوق بشر، اغلب از طریق اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشری مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی¹، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر² و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر³ و همچنین مراجع قضایی و اجرایی آن‌ها، سازوکارهای مشخصی در جهت رصد و حمایت از حق بر دادرسی علنی و نظارت دقیق بر اعمال آن در محاکم ملی،

1. International Covenant on Civil and Political Rights (1966)

2. European Convention on Human Rights (1950)

3. American Convention on Human Rights (1969)

پذیرفته شده است و از رهگذر رسیدگی به قضایا و پرونده‌های مطروحه در این مراجع، الزامات و استثنائات دادرسی علنی به‌طور دقیق و شفاف، تبیین شده است. در این بین، یکی از استثنائات دادرسی علنی در نظام بین‌المللی حقوق بشر که به‌صراحت در این اسناد ذکر شده است، حفاظت از «منافع عدالت»¹ است. مطالعه رویه مراجع قضایی حقوق بشری از جمله دادگاه اروپایی حقوق بشر² - که به‌عنوان به‌روزترین دادگاه منطقه‌ای حقوق بشری شناخته می‌شود-، نشان می‌دهد که این موضوع بیشتر در زمینه حفظ نظم و امنیت جلسه دادگاه مطرح شده است (Case of Chaushev and Others v. Russia, 2016: 24). در واقع، بی‌نظمی در دادگاه و برهم خوردن امنیت جلسه دادرسی به‌واسطه بروز شدید احساسات طرفین دعوا یا وکلای آن‌ها و همچنین تماشاگران در یک محاکمه علنی، به‌عنوان نمونه‌ای از یک مانع جدی بر سر راه تأمین منافع عدالت و اجرای صحیح آن تلقی شده که ممکن است سبب ایجاد محدودیت در برگزاری علنی جلسات دادرسی شود.

باین‌حال در نظام بین‌المللی حقوق بشر، صرف چنین نگرانی‌هایی نمی‌تواند محرومیت بی‌قید و شرط افراد از حضور در یک محاکمه را توجیه کند؛ بلکه مقامات قضایی باید در ابتدای امر با تکیه بر اصل «ضرورت» و رعایت «تناسب» همه گزینه‌های ممکن را برای تضمین امنیت و ایجاد نظم در دادگاه در نظر بگیرند و تا زمانی که می‌توانند با روش‌های ساده‌تر مانند تذکر، اخراج یا حبس کسانی که نظم جلسه علنی دادگاه را برهم می‌زنند، نظم و امنیت جلسه را برقرار کنند، این روش‌ها را به اقدامات سخت‌گیرانه‌تر مانند غیرعلنی کردن جلسه دادگاه، ترجیح دهند (Rasteh; Moazenadegan & Dolatkah, 2023: 212). از منظر موازین بین‌المللی نیز فلسفه ممنوعیت اخلال در نظم و امنیت دادگاه و اعطای اختیار به قاضی برای اخراج یا حبس کسانی که نظم جلسه علنی دادگاه را برهم می‌زنند، علاوه بر احترام به منزلت دادگاه و قضات و متصدیان آن، اعمال صحیح و بدون نقص اصل علنی بودن محاکمات و صیانت از اهداف متعالی آن است (Barrett, 2009: 81). بر همین اساس، برای اجتناب از به‌کارگیری نامعقول و گسترده محرومیت مردم و رسانه‌ها از حضور در جلسات دادرسی به بهانه حفظ نظم دادگاه، چنین موضوعی با دقت و حساسیت ویژه در بند 1 ماده 14 میثاق

1. The interests of justice

2. European Court of Human Rights (ECtHR)

بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند 1 ماده 6 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و بند 5 ماده 8 کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر بیان می‌شود. همان‌طور که در هر یک از این سه سند آمده است، غیرعلنی شدن جلسه در جهت تأمین منافع و اجرای صحیح عدالت، فقط «در حد ضرورت و در شرایط خاص» امکان‌پذیر خواهد بود؛ بنابراین هنگامی که در نظم دادگاه اخلال به وجود آید، اعمال محدودیت در برگزاری علنی دادگاه و محرومیت مردم و رسانه‌ها از حضور در جلسات دادرسی، محدود به شرایطی است که دادگاه معتقد باشد علنی بودن دادرسی، به منافع عدالت لطمه وارد می‌سازد (OSCE/ODIHR, 2012: 83) و باعث می‌شود روند رسیدگی به پرونده، از روال عادلانه خود خارج شود. در این مورد، «ضرورت» به‌عنوان مبنا و معیار غیرعلنی برگزار کردن دادرسی‌ها محسوب می‌شود؛ لذا نباید از مفهوم «ضرورت» تفسیر موسع به عمل آید. کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد¹ نیز به‌عنوان یک نهاد جریان‌ساز و یگانه مرجع تفسیرکننده حقوق مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، در یکی از پرونده‌های تحت رسیدگی خود تأکید می‌کند که تدابیر اتخاذی برای تضمین امنیت و ایجاد نظم در دادگاه‌های ملی، باید به‌طور محدود در نظر گرفته شود و با اصل ضرورت و تناسب مطابقت داشته باشد. لذا برای برقراری نظم و امنیت در دادگاه، استفاده از ساده‌ترین روش مانند استمداد از نیروهای انتظامی و امنیتی نسبت به اقدامات سخت‌گیرانه‌تر مانند غیرعلنی کردن جلسه دادرسی، اولویت دارند (Nowak & Schabas, 2019: 522).

آنچه در این خصوص حائز اهمیت است این است که بار اثبات ضرورت اعمال محدودیت در برگزاری علنی دادرسی‌ها در راستای تأمین نظم دادگاه، بر عهده محاکم ملی است که باید با یک معیار مشخص و ضابطه‌ای مضیق ثابت کنند که به هیچ طریق دیگری غیر از برگزاری غیرعلنی دادرسی، نمی‌توان نظم جلسه دادگاه را تأمین کرد؛ بنابراین، صرف دلایل غیرمنطقی و گمانه‌زنی‌های بی‌اساس نمی‌تواند کافی و قابل توجیه باشد (Dick, 2010: 2). در این رابطه، دادگاه اروپایی حقوق بشر در پرونده‌ای که مربوط به محاکمه یک باند سازمان‌یافته سارقان مسلح بود اعلام کرد که صرف این احتمال که ممکن است برخی از اعضای این گروه مسلح هنوز دستگیر نشده و برای ایجاد اخلال در محاکمه دوستان خود، در سالن دادگاه

1. U.N. Human Rights Committee

حضور داشته باشند، نمی‌تواند محرومیت مردم از حضور در تمامی جلسات محاکمه را به بهانه حفظ نظم و امنیت دادگاه توجیه کند. در این پرونده، متقاعدکننده‌ترین بخش از استدلال قضات استراسبورگ¹ این است که: نخست، دقیقاً مشخص نیست کدام یک از اعضای این گروه هنوز آزاد هستند، لذا هر اظهارنظری در این خصوص صرفاً یک گمانه‌زنی غیرمنطقی محسوب می‌شود؛ دوم اینکه حتی با فرض وجود چنین مواردی، دادگاه ملی به هیچ مؤلفه عملی و واقعی که بتواند ثابت کند وجود آن اعضا می‌تواند یک خطر واقعی برای افراد حاضر در دادگاه به‌ویژه قربانیان و شهود محسوب شود، استناد نکرده است (Case of Kartoyev and Others v. Russia, 2021: 60-61).

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در نظام بین‌المللی حقوق بشر، اعمال چنین محدودیتی از سوی محاکم، صرفاً با وجود توأمان دو شرط معتبر است: 1- در شرایط خاصی که از قبل در قوانین آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی نشده است و به اعتقاد دادگاه، علنی بودن دادرسی موجب سلب نظم و امنیت دادگاه و مختل شدن اجرای عدالت می‌شود؛ 2- در حد ضرورت که فقط باید به‌صورت مضیق و در اوضاع و احوال بسیار خاص صورت پذیرد؛ به‌طوری‌که با روش‌های دیگر غیر از غیرعلنی کردن جلسه دادگاه، نتوان نظم جلسه را برقرار کرد.

در پایان این بخش، نکته مهمی که باید بدان توجه کرد این است که به‌رغم تصریح اسناد حقوق بشری به حق حضوری بودن دادرسی² و جایگاه حساس و خطیر آن به‌عنوان عنصری مهم و انکار نشدنی در زمینه ارائه یک دفاع مناسب³، نظام بین‌المللی حقوق بشر این امکان را به

1. Strasbourg

2. شق «د» از بند 3 ماده 14 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ شق «د» از بند 2 ماده 7 کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر؛ شق «ج» از بند 1 ماده 7 منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم؛ بند 1 ماده 63 و شق «د» از بند 1 ماده 67 اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.

3. حضوری بودن دادرسی، همچنین به‌عنوان یکی از مهم‌ترین الزامات و مؤلفه‌های دادرسی علنی شناخته می‌شود؛ به‌طوری‌که عدم شرکت متهم در جلسه دادرسی علنی، نه‌تنها موجب ورود خدشه به حق دفاع مؤثر وی خواهد شد بلکه، مفهوم واقعی علنی بودن دادرسی را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. در این رابطه، دادگاه اروپایی حقوق بشر در یکی از پرونده‌های تحت رسیدگی خود، با استناد به اینکه خواهان در زمان تشکیل دادگاه علنی در بازداشتگاه بوده و فرصتی برای شرکت در آن جلسه به او داده نشد، به دلیل عدم رعایت یکی از الزامات دادرسی علنی، حکم به نقض بند 1 ماده 6 کنوانسیون داد (Case of Antonov v. Russia, 2022: 5-7). البته این دادگاه از

محاکم ملی داده است که به جهت اخلاف در نظم جلسه دادرسی از سوی متهم و باوجود شرایطی، وی را از دادگاه اخراج کرده و جلسه دادرسی را بدون حضور متهم برگزار کنند (Case of Idalov v. Russia, 2012: 175-177). فلسفه جواز محاکمه غیابی در چنین مواردی را بایستی در جلوگیری از سوءاستفاده متهم از حق دادرسی حضوری و همچنین اطاله بی مورد دادرسی جستجو کرد.

فرجام سخن

دادرسی علنی یک مفهوم کاربردی و فایده‌گرا است که هدف اصلی آن، نظارت عمومی بر عملکرد دستگاه قضایی به واسطه تحقق شفافیت دادرسی و اطمینان از اجرای عدالت طبق قانون است. از طرفی نیز، اجرای عدالت قضایی مستلزم آن است که دعوای به صورت صحیح و بدون هیچ مانعی، مورد رسیدگی قرار گیرند، به شئون دادگاه و مقامات قضایی احترام کامل گذاشته شود و امنیت افراد حاضر در جلسه دادرسی نیز حفظ شود. بر این اساس، ممکن است در برخی موارد، علنی بودن دادرسی و حضور عموم مردم و اصحاب رسانه موجب اخلاف در نظم جلسه دادگاه شود و مانعی برای اجرای صحیح عدالت محسوب شود. با این حال، در نظام دادرسی کیفری ایران، رئیس دادگاه نباید به این عذر که علنی بودن دادرسی و حضور تماشاگران موجب سختی و مشقت در کنترل جلسه است، محاکمه را غیرعلنی برگزار کند؛ بلکه با توجه به اینکه مدیریت فرآیند محاکمه و استقرار نظم جلسه دادگاه یکی از تکالیف مهم مرجع قضایی است، باید به نحو مقتضی، نظم را برقرار کند. این موضوع به صراحت در ماده 354 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 مقرر شده است که بر اساس آن، رئیس دادگاه می‌تواند کسانی را که باعث برهم زدن نظم جلسه دادگاه می‌شوند، حسب مورد از دادگاه اخراج کند یا دستور توقیف آن‌ها را صادر نماید. همچنین، تذکر به اصحاب دعوا، ارشاد تماشاگران یا تهدید آن‌ها به اخراج از جلسه دادگاه، استمداد از ضابطان دادگستری

قبل پذیرفته است که حق دادرسی حضوری و شفاهی در برخی مواقع لزوماً و به خودی خود نیاز به حضور فیزیکی متهم ندارد و مثلاً ارتباط ویدئو کنفرانس با بازداشتگاه نیز می‌تواند نوعی اطمینان به حصول اهداف آن باشد (Case of Vasilyev v. Russia, 2012: 84).

مستقر در واحد قضایی و غیره، از دیگر روش‌های برقراری نظم است. حکم اخلال در نظم جلسات علنی دادگاه، تمام کسانی که در آن جلسه حضور دارند اعم از شاکی، متهم، وکلای دادگستری و تماشاگران را شامل می‌شود، اما ضمانت اجرای آن متفاوت است؛ بدین ترتیب که قانون‌گذار در ماده مزبور، حکم حبس یک تا پنج روز را صرفاً مختص اصحاب دعوا در نظر گرفته است و بنابراین رئیس دادگاه نمی‌تواند در مورد وکلای دادگستری و تماشاگران جلسه که باعث اخلال در نظم دادگاه می‌شوند دستور حبس بدهد، بلکه در خصوص تماشاچیان می‌تواند بلافاصله دستور اخراج اخلال‌گران را صادر کند. باین‌حال، در رابطه با وکلای دادگستری به دلیل اینکه این قشر در موضع دفاع، از احترام و تأمینات شاغلان امر قضا برخوردار می‌باشند، در صورت اخلال در نظم جلسه از سوی ایشان، رئیس دادگاه ابتدا به وی در خصوص رعایت نظم دادگاه تذکر می‌دهد و در صورتی که این تذکر تأثیری در رفتار وی نداشت و این رفتار را تکرار کرد، می‌تواند او را از جلسه اخراج کند و به دادرسی انتظامی وکلا معرفی نماید.

با کمی اغماض می‌توان پذیرفت که سازوکارهای اتخاذی در خصوص مواجهه با موضوع نظم جلسات علنی دادگاه در نظام بین‌المللی حقوق بشر و قوانین ایران، اشتراکاتی با هم داشته و مصادیق آن تا حدود زیادی هماهنگ و منطبق است؛ به‌خصوص اینکه بر اساس موازین بین‌المللی هنگامی که جلسه علنی دادگاه با بی‌نظمی مواجه شود، قاضی در ابتدا باید از طریق روش‌هایی مانند تذکر به اشخاص اخلال‌گر، اخراج یا حبس کسانی که نظم جلسه علنی دادگاه را برهم می‌زنند و همچنین استمداد از نیروهای انتظامی و امنیتی مستقر در ساختمان دادگستری، نظم و امنیت جلسه را برقرار کند و این روش‌ها را به اقدامات سخت‌گیرانه‌تر مانند غیرعلنی کردن جلسه دادگاه، ترجیح دهد. باین‌حال، در نظام بین‌المللی حقوق بشر برخلاف حقوق ایران، عدول از اصل علنی بودن دادرسی و بستن دادگاه به روی شهروندان به دلیل تأمین نظم و امنیت دادگاه، تحت عنوان «منافع عدالت» قرار می‌گیرد و در راستای اجرای صحیح این موضوع و بنا بر شرایط خاص و استثنایی که ضرورت و تناسب آن را دادگاه تشخیص می‌دهد، معتبر است. لذا به نظر می‌رسد موضع نظام دادرسی کیفری ایران در این خصوص که قضاوت تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند با توسل به موضوع نظم دادگاه، محاکمه را غیرعلنی برگزار کنند و صرفاً باید به نحو مقتضی نظم را برقرار نمایند، با آنچه در اسناد

بین‌المللی حقوق بشر تصریح شده است یکسان نبوده و به شکل منطقی و قابل قبولی، سخت‌گیرانه‌تر از نظام بین‌المللی حقوق بشر است.

در پایان، مسئله مهمی که باید به آن توجه کرد این است که به‌رغم آنکه قانون‌گذار ایران دستور حبس طرفین دعوا را علی‌الظاهر یک اقدام احتیاطی و برای تأمین نظم جلسه دادگاه تلقی کرده و آثار محکومیت کیفری به معنای خاص نیز نباید بر آن متصور باشد، اما به نظر می‌رسد تفویض اختیار مطلق و بی‌ضابطه به مقام قضایی در صدور و اجرای چنین دستوری از لحاظ شکلی و ماهوی، مغایر با اصول دادرسی منصفانه و منافی با حقوق و آزادی‌های فردی اشخاص باشد. به عبارتی دیگر، مقنن کیفری، در خلال یک مصوبه قانونی که مدعی بیشترین میزان انطباق با معیارهای دادرسی منصفانه و تضمین حداکثری حقوق دفاعی طرفین دعوا است، بدون ارائه ضابطه و معیار مشخصی در تعریف نظم دادگاه و موارد اخلال در آن، رئیس دادگاه را بی‌آنکه مکلف به ذکر استدلال و مستند دستور باشد، تصمیم‌گیرنده اول و آخر دانسته است؛ دستوری که بدون رسیدگی و ارائه فرصت دفاع به مرتکب، قطعی و غیرقابل اعتراض در نظر گرفته شده است. اگرچه این دستور ماهیتاً رأی نیست لیکن ظاهراً در حکم رأی است و بدون نیاز به ابلاغ، از برخی آثار آن برخوردار است! بر این اساس، از آنجاکه شیوه اعمال اجرای حکم ماده 354 قانون آیین دادرسی کیفری به‌عنوان ضمانت اجرای موضوع اخلال در نظم جلسه دادگاه، تأثیر قابل‌توجهی در تحقق دادرسی منصفانه و حفظ حقوق طرفین دعوا خواهد داشت، لذا ضروری است که در این خصوص هیچ اقدامی به روش خودسرانه اعمال نشود؛ بنابراین، باید دادگاه را ملزم به توجیه دستور حبس طرفین دعوا دانست تا از این طریق، از سوءاستفاده‌های احتمالی ممانعت شود. از این رو می‌بایست امکان به چالش کشیدن دستور دادگاه مبنی بر حبس طرفین دعوا، وجود داشته باشد. بر این اساس، شایسته است که قانون‌گذار در جهت کاستن از توسعه بی‌جهت دامنه این دستور و سوءاستفاده از این اختیار قانونی، مستدل بودن دستور حبس و قابلیت اعتراض به آن را پیشبینی کند تا از این طریق، نظارت قضایی بر این تشخیص دادگاه میسر شود.

References

- Aghmesheh, A. & Salmanpour, A. (2015). The Media's Right to Access Judicial Information (With a Comparative Study in Iran, France and America), *News Sciences*, 4(15), 117-140. [In Persian]
- Ansari, B. (2011). A Comparative Study of the Right of Media Access to Judicial Proceedings and Information, *Public Law Research*, 13(35), 269-308. [In Persian]
- Barrett, J. (2009). *Protecting Court: A Practitioner's Guide to Court Security*, Florida: Mill City Press, Inc.
- Bicskei, T.; Csizsár, A. & Kotsis, J. (2018). Content Creators v. Judges, (How Open Can a Courtroom be in the Information Age?), *EJTN Themis Semi-Final D - Judicial Ethics and Professional Conduct*, 1(2), 1-19.
- Carter, R. & Harris, R. (2018). *Court Security For Judges, Officers and Court Personnel*, Park City: Blue360 Media.
- Dick, T. (2010). Open Justice and Closed Courts: Media Access in Criminal Proceedings in NSW, *Journal Criminal Law*, 34(6), 1-20.
- Fazaeli, M. (2018). *Fair Trial; International Criminal Courts*, Tehran: Shahre Danesh. [In Persian]
- Hashemi, S. M. (2019), *Fundamental Rights of the Islamic Republic*, Vol. 2, Tehran: Mizan. [In Persian]
- Judicial Research and Investigation Office (2013). *Set of Judicial Meetings; Issues of Criminal Procedure*, Vol. 1, Tehran: Javadaneh. [In Persian]
- Khaleghi, A. (2004). Publicity of Proceedings in the Light of International Documents and Domestic Law, *Legal Research*, 3(5), 29-49. [In Persian]
- Khaleghi, A. (2021). *Brief Commentaries on: Code of Criminal Procedure*, Tehran: Shahre Danesh. [In Persian]
- Lepofsky, D. (2009). "Cameras in the Courtroom — Not Without My Consent", in *Media Freedom and Contempt of Court*, Eric Barendt, London: Routledge.
- Marder, N. (2013). The Conundrum of Cameras in the Courtroom, *Arizona State Law Journal*, 44(6), 1490-1574.
- National System of Judicial Judgments (2020). Disturbance in the Order of the Prosecutor's Office or Court, (View Date: 02/05/2023) In: <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/1593> [In Persian]
- Nowak, M. & Schabas, W. (2019). *UN Covenant on Civil and Political Rights: CCPR Commentary*, Kehl: N.P. Engel Publisher.
- OSCE Office for Democratic Institutions and Human Rights (ODIHR) (2012). *Legal Digest of International Fair Trial Rights*, Warsaw: Agencja Karo.
- Rasteh, M.; Tavajohi, A. & Nemati, M. (2023). Comparison of the Components of the Public Hearing in the International Human Rights

- System and Iranian Criminal Proceeding System, *Journal of Criminal Law and Criminology*, 10(20), 209-241. [In Persian]
- Rasteh, M.; Moazenzadegan, H.A. & Dolatkah Pashaki, P. (2023). Comparative Study of Exceptions to the Attendance the People in Criminal Hearing; International Human Right System and Iranian Criminal System, *Criminal Law and Criminology Studies*, 52(2), 195-222. [In Persian]
- Robinson, M. (2009). *Trial Observation Manual for Criminal Proceedings: Practitioners Guide No.5*, Geneva: International Commission of Jurists.
- Shahidi, M. (2002). *Judicial Standards (Legal, Criminal, Administrative, Lawyers' Affairs) of Justice; Judges High Disciplinary Court*, Tehran: Raham. [In Persian]
- Shamloo, B. (2022). Pathology of Advocacylaws in Realization of Fair Trial, *Legal Research Quarterly*, 25(Attorney Standards), 11-36. [In Persian]
- Stepniak, D. (2014). *The Therapeutic Value of Open Justice*, Melbourne: The University of Western Australia.
- Uka, M. (2019). The Right of the Defendant for Public Hearing and the Role of Media in this Publicity, *Acta Universitatis Danubius*, 15(1), 214-228.
- Wayne, M. (2009). Improving Access to Justice, The Role of the Media, *Curtin University, School of Media, Culture and Creative Arts*.
- Zera'at, A. & Ashrafi, M. (2018). The Principle of Adversary in Criminal Proceedings in Iranian Law, *The Judiciary Law Journal*, 82(101), 11-35. [In Persian]
- Zera'at, A. & Mohajeri, A. (2006). *Criminal Procedure Code*, Vol. 2, Tehran: Fekrsazan. [In Persian]

- Judicial Cases

- Case of Antonov v. Russia (Application No. 72900/11). ECtHR: Judgement of 24 February 2022.
- Case of Chaushev and Others v. Russia (Application Nos. 37037/03, 39053/03 and 2469/04). ECtHR: Judgement of 25 October 2016.
- Case of Idalov v. Russia (Application No. 5826/03). ECtHR: Judgement of 22 May 2012.
- Case of Kartoyev and Others v. Russia (Application No. 9418/13, 9421/13 and 49007/13). ECtHR: Judgement of 19 October 2021.
- Case of Riepan v. Austria (Application No. 35115/97). ECtHR: Judgement of 14 November 2000.
- Case of Stanford v. United Kingdom, (Application No. 16757/90). ECtHR: Judgment of 23 February 1994.
- Case of Vasilyev v. Russia (Application No. 28